

عقاید قالبی گروه‌های قومی کرد کرمانشاه درباره تلقی از یکدیگر و پیامدهای آن

صلاح الدین قادری، * سید حسین نبوی، ** احمد رضا سالمیان ***

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۸/۰۷، تاریخ پذیرش ۹۸/۱۱/۰۵)

چکیده

مطالعه حاضر، به مسئله تفکرات قالبی گروه‌های قومی کرد از همدیگر و پیامدهای آن با روش نظریه زمینه‌ای - می‌پردازد. جامعه مورد مطالعه، زنان و مردان گروه‌های قومی کرد شهر کرمانشاه و نمونه تحقیق، از میان گویش‌های سه‌گانه هورام، سوران و کلهر، ۲۸ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. محتوای مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری و تحلیل شد. در کدگذاری باز، ۱۱۵ کد به دست آمد که پس از ادغام، در مرحله دوم به هشت کد محوری تقلیل یافت. در مرحله آخر - کدگذاری گزینشی - نیز دو کد قوم‌مداری و فاصله بین قومی استخراج گردید. نتایج نشان داد که تلقی و توصیف گروه‌ها از یکدیگر تحت تأثیر قوم‌مداری و برترپنداری گروه خودی است و در تلقی از دیگری، بر پای‌بندی و عدم پای‌بندی به هویت کردی تأکید می‌شود. شدت عقاید قالبی و فاصله قومی میان دو قوم هورام و سوران با قوم کلهر بیش‌تر از فاصله هورام و سوران با یکدیگر است.

مفاهیم اصلی: عقیده قالبی، قوم‌مداری، کرد، هورام، کلهر، سوران.

salahedin.gh@gmail.com

nabavee@gmail.com

t.salemian@gmail.com

*. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

** . استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

***. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیستم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، ص ۳-۲۵

مقدمه و طرح مساله

علی‌رغم اثرپذیری رفتار انسان‌ها از عوامل و زمینه‌های عینی، شناخت و ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آن‌ها با دیگری است. چگونگی فهم و ارزیابی ما از دیگران، نقش مهمی در برقراری ارتباط، دوری‌گزیدن، نفی یا حذف دیگران دارد. برای مثال، گروهی را که زیاد پول خرج نمی‌کنند، می‌توان به‌نحوی دوستانه، صرفه‌جو یا به‌نحوی بی‌طرفانه، مقتصد، یا برحسب رویکردی منفی خسیس تلقی کرد. این امر بیانگر اهمیت نگرش‌ها و ذهنیت‌های افراد در رویارویی با پدیده‌ای یکسان است (ستوده، ۱۳۸۷؛ اسدورو، ۱۳۸۴: ۴۴۹).

تصورات قالبی و پیش‌داوری به‌نحوی جدی در همه جوامع وجود دارد و تأثیر آن گسترده، مخاطره‌آمیز و گاهی سرنوشت‌ساز است. در طول تاریخ، "تعصب، تفکرات قالبی و پیش‌داوری" همیشه هم‌گرایی قومی را به‌چالش کشیده است (برگه، ۱۹۷۸: ۵۶۹، نقل از خرازی‌آذر و همکاران، ۱۳۹۵). تصورات ثابت و قالب‌های فکری و پیش‌داوری، اغلب ناظر بر تعمیم‌های ناروا به‌افراد، گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی است که غیر خودی محسوب می‌شوند و شیوه‌های رفتاری خودی را به‌غیر خودی شکل می‌دهند (مقصودی، ۱۳۷۹: ۲۰۸). سرزمین تاریخی ایران به‌سبب موقعیت جغرافیایی ممتاز خود، به‌مثابه چهارراهی جهانی، همواره کانون تلاقی فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون و عرصه رفت و آمدها و هجوم‌های مختلف بوده است و باعث شده تا گروه‌های متنوع با عناوینی چون قوم، ایل، طایفه، عشیره و غیره در ایران جای گیرند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۳۰). بنابراین از قدیم‌الایام ایران کشوری با ملتی متنوع از فرهنگ‌ها، شیوه‌های زیست، مذاهب و زبان‌های مختلف بوده است: با حضور گروه‌های قومی کرد، بلوچ، ترکمن، آذری، لر، عرب، لک و معتقدان به‌ادیان دیگر از جمله زرتشتیان، ارمنی‌ها، کلیمیان، صائبی‌ها و صد ایل و قبیله کوچک و بزرگ از جمله بختیاری، شاهسون و... ملتی که پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی و مذهبی در بین اجزای خود داشته است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۲۴).

یکی از وجوه تنوع و گوناگونی و یکی از انواع اقلیت‌ها در جامعه ایران، حضور قومیت‌ها است. طبق تعریف، «قومیت عبارت است از گروهی که از نظر زیست‌شناسی، حداقل چند نسل پابندی و ماندگاری داشته باشند، ارزش‌های فرهنگی مشترک داشته باشند، فضای ویژه ارتباطی و کنش و واکنش مخصوص به‌خود را داشته باشند. به‌عنوانی واقعیتی جداگانه از دیگر گروه‌ها، خود را بشناسند و دیگران نیز آن‌ها را با این عنوان بپذیرند» (پلنهل، ۱۹۷۹، نقل از خوبروی پاک، ۱۳۸۰: ۱۵). هرکدام از این گروه‌ها و قومیت‌ها علی‌رغم اشتراکات فراوان، از ویژگی‌های خاص خود در زبان، گویش، پوشش، آداب و رسوم و گاه آیین و مذهب نیز برخوردارند (کریمی و موزن، ۱۳۹۰: ۲۷). در این میان قوم کرد ویژگی‌های خاصی دارد. قوم کرد به‌عنوان یکی از پنج قوم بزرگ ایرانی (ترکمن، ترک، کرد، عرب، بلوچ) در غرب کشور، در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، ایلام و

خراسان شمالی ساکن هستند. علاوه بر این، بخشی از ترکیب جمعیتی کشورهای ترکیه، عراق، سوریه، ارمنستان، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و لبنان را نیز تشکیل می‌دهند (نصری مشکینی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). زبان آن‌ها جزو زبان‌های ایرانی است و دارای چهار گویش اصلی ۱- کُرمناجی، ۲- هورامی، ۳- کلهر، ۴- سورانی و ده‌ها گویش فرعی دیگر است. مارتین وان بروینسن تأکید دارد که جامعه کردی یک جامعه بسیار ناهمگون است (فان بروینسن، ۱۳۷۹: ۲۱). هر یک از اقوام از جمله "قوم کُرد" به دلیل تفاوت‌های فرهنگی به‌واحدها و شاخه‌هایی گوناگونی تقسیم می‌شوند. تفاوت ارزش‌ها و هنجارها و چارچوب‌های تفسیری و معنایی و نیز ذهنیت، تصورات قالبی، تعصب و پیش‌داوری‌های این گروه‌ها از یکدیگر، علاوه بر این‌که سبب تضعیف همزیستی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌گردد، باعث روابط تعارضی در بین این اقوام می‌شود. گروه‌های قومی کرد در تقابل با یکدیگر ادعای پرستیژ قومی دارند و یا همدیگر را با عناوین و برچسب‌هایی - مانند کردپلاستیکی به‌منظور تحقیر همدیگر - مورد خطاب قرار می‌دهند که ادامه این روند و موضع‌گیری‌ها، روابط و همبستگی قوم را دچار مشکل می‌سازد. بنابراین برای درک عمیق‌تر و نحوه بهبود ارتباط و انسجام سه گروه قومی هورام، کلهر، سوران نیازمند شناخت دقیقی در این زمینه هستیم.

تفکرات قالبی، پیش‌داوری، تبعیض و نگرش به‌عنوان مفاهیم اصلی تلقی گروه‌های قومی از همدیگر، جزء مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری و استمرار برخی الگوهای کنش و حذف برخی دیگر در میان این گروه‌ها است. وقتی ما با اعضای فرهنگ (اقوام) دیگر ارتباط برقرار می‌کنیم، در مقایسه با شخصی که از قوم خودمان است، بر ساخت‌ها و تصورات قالبی بسیار بیشتر به ارتباط ناکارآمد منجر می‌شود (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۹).

پژوهش حاضر می‌خواهد به‌مطالعه مناسبات گروه‌های قومی کُرد بر اساس عقاید قالبی آن‌ها از همدیگر که موجب استمرار برخی از الگوهای کنش اجتماعی و حذف برخی دیگر می‌شود، بپردازد. مشخصاً هدفی که دنبال می‌کند آن است که دریابد آیا این عقاید قالبی موجب استمرار روابط سازگاران، همدلانه و مسالمت‌آمیز میان انواع گروه‌های قومی کُرد می‌گردد و یا منجر به روابط غیردوستانه، کشمکش و ... می‌شود. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که مردم سوران، کلهر و هورام از گروه قومی خود و از دیگری چه تلقی و چه عقیده قالبی دارند؛ و این تلقی در مناسبات و در انسجام قومی کرد چه تأثیری دارد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که با دغدغه مشابهی انجام یافته‌اند و برخی از یافته‌ها و دستاوردهای آنان برای

این پژوهش قابل استفاده بوده، به شرح جدول زیر هستند:

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهشی

عنوان پژوهش	پژوهشگر	یافته‌ها
عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران	محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰)	محل پرورش فرد ارتباطی با انواع قوم‌گرایی ندارد. میان نوع گویش‌های زبان کردی و نوع مذهب با انواع قوم‌گرایی رابطه وجود دارد. همچنین میان استفاده از رسانه قومی، تبعیض سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با انواع قوم‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد.
تحلیل مضمون تفکرات قالبی نسبت به قومیت	ناصری و کیانپور (۱۳۹۴)	وجود نوعی احساس انحصارطلبی قومی به معنی تاکید اقوام بر ویژگی‌های قومی و منحصربه‌فرد قوم خویش و از سوی دیگر نوعی چندگانگی قومی به معنای تاکید بر همبستگی ملی که اختلافات بین قومی را کنار زده است.
تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران	کریمی و مؤذن (۱۳۹۰)	همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های قومی ایران ریشه در نظام معنایی و باور مشترک همه ایرانیان بر ایرانی بودن خود دارد.
قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران	یوسفی و پورماسوله (۱۳۸۸)	فراوانی روابط همزیستانه بین قومی در همه اقوام بیش از روابط تعارضی است. همچنین قوم‌مداری به‌طور کلی در تمام اقوام کشور بالاست و قوم‌مداری بر انواع روابط همزیستانه قومی اثر منفی داشته و باعث تشدید تعارض بین قومی شده است.
ارتباط بین قومی دوستانه یا غیر دوستانه (منفی) در دبیرستان	ژوفیا بودا ^۱ و بلینت نرای ^۲ (۲۰۱۵)	روابط بین قومی نسبت به روابط درونی قومی کمتر است و کسانی که با گروه‌های قومی دیگر رابطه دارند، توسط گروه‌های قومی خودی (اصلی) به‌عنوان "خائن" شناخته می‌شوند از این رو دوستی‌ها و روابط به‌روشن‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تناقضات در طبقه‌بندی‌های قومی نقش مهمی در طرد اجتماعی بازی می‌کند.

چنان که از جدول فوق برمی‌آید، به‌طور خلاصه، بیشتر مطالعات، حول مسئله قوم‌گرایی و قوم‌مداری صورت گرفته‌اند و به تفاوت‌های برداشت، تفسیر و دلالت‌های معنایی که شاخه‌های یک قومیت از همدیگر دارند پرداخته نشده است. نزدیک‌ترین مطالعه به پژوهش حاضر، مطالعه محمدزاده و همکاران (۱۳۹۰) است که در آن، هم میزان قومیت‌گرایی فرهنگی در میان گروه‌های قومی کرد در ایران و هم، میزان پای‌بندی این گروه‌های قومی به قومیت‌گرایی فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفته است، با این حال هیچ یک از پژوهش‌ها به عقاید قالبی گروه‌های قومی مورد نظر در

۱. Zsofia Boda

۲. Balint Neray

این‌جا و پیامدهای آن در روابط میان این گروه‌ها نپرداخته‌اند.

روش

در این پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای^۱ بهره گرفته شده است. در نظریه زمینه‌ای، پس از مشخص شدن مسئله پژوهش و مرور ادبیات، نمونه‌گیری نخستین قدم برای ورود به میدان است، برخلاف روش‌های کمی که از نمونه‌گیری احتمالی استفاده می‌کنند، روش‌های کیفی به سراغ نمونه‌گیری کیفی^۲ می‌روند که شامل انواع متفاوتی است (کرسول، ۱۳۹۰: ۶۷). در نظریه زمینه‌محور، از نمونه‌گیری نظری^۳ استفاده می‌شود و نمونه‌ها در جهت هدف پژوهش انتخاب می‌شوند. جمعیتی که مصاحبه‌شوندگان این پژوهش از میان آن‌ها انتخاب شده است گروه‌های قومی کُرد حاضر در شهر کرمانشاه هستند. تعداد مصاحبه‌شوندگان به ۲۸ نفر (هفت زن و بیست و یک مرد، نه نفر از قوم کلهر، نه نفر از قوم هورام، و ده نفر از قوم سوران) رسید، در واقع با همین تعداد، اشباع نظری حاصل آمد.

در این پژوهش از فنون مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته استفاده شد. ابتدا سوالات به صورت دقیق و مشروح طراحی شد، سپس سوالات و نکات مهم مربوط در راهنمای تحقیق تنظیم گردید. گاهی مصاحبه‌ها آن طور که مورد انتظار بود، پیش نمی‌رفت و با مشکلاتی مواجه می‌شد. با این حال با این افراد حداقل حدود ۳۰ و با سایر افراد ۵۰ الی ۶۰ دقیقه مصاحبه شد و تمامی مصاحبه‌ها به صورت کامل ضبط و سپس با دقت، پیاده و تایپ شد. سعی شد که پیش‌دوری‌های پژوهشگران به طرق مختلف کنترل شود. همچنین درگیری مستمر با داده‌ها و در معرض قضاوت قرار دادن آن‌ها با ناظرین بیرونی در کل فرایند تحقیق، به تحقق باور پذیری پژوهش کمک فراوانی کرده است.

یافته‌ها

زنان و مردان سه گروه قومی هورام، کلهر و سوران مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند؛ پرسش اصلی این بود که: "این سه گروه قومی از همدیگر چه تلقی و چه عقیده (قالبی)ی دارند؟" محتوای مصاحبه‌ها طبق محورها و مقوله‌هایی که در ادامه تشریح می‌شوند، دسته‌بندی شده‌اند. نخست به بررسی کدهای استخراج شده پرداخته می‌شود:

الف) تلقی قوم کلهر از دو قوم دیگر (هورام و سوران)

با تحلیل پاسخ به پرسش "نحوه تلقی قوم کلهر از دو قوم هورام و سوران" هفت مفهوم از

۱. Ground Theory

۲. Qualitative Sampling

۳. Theoretical Sampling

مصاحبه‌ها قابل استخراج هستند: ۱- جاف^۱، ۲- لجوج و یک دنده، ۳- تعلقات مذهبی بالا، ۴- شاد، ۵- پای‌بندی به‌زبان و لباس کردی، ۶- همبستگی درون‌قومی، ۷- عدم تعامل با برون‌گروه. با توجه با مفاهیم به‌دست آمده می‌توان پی برد که کلهرها دارای حسی (نگرش) دوگانه - به‌عبارت دیگر دچار یک دوگانگی ارزشی - در مورد دو گروه دیگر هستند.

ب) تلقی قوم هورام از قوم کلهر

با تحلیل پرسش " نحوه تلقی از قوم کلهر توسط قوم هورام " پنج مفهوم را از مصاحبه‌ها استخراج شد که عبارتند از: ۱- عدم پای‌بندی به‌فرهنگ قومی ۲- مناسک‌گرا افراطی ۳- باسواد و تحصیل‌کرده ۴- خشونت طلب و پرخاشگر ۵- غیرتمند ۶- گرایش به هویت ملی. همچنین مفاهیم ذکر شده نیز بیانگر دوگانگی نگرش قوم هورام به‌قوم کلهر می‌باشند که علی‌رغم نسبت دادن صفات مثبت به کلهرها، در ابعاد دیگر با دیدی منفی از این قوم یاد می‌کنند.

ج) تلقی قوم هورام از قوم سوران

در جواب این پرسش که "گروه قومی هورام چه تلقی از گروه قومی سوران دارد؟" مفاهیم متعددی استخراج شد که به‌نحوی نحوه نگرش هورام‌ها در مورد سوران‌ها را پوشش می‌دهند. مفاهیم منتج از مصاحبه‌ها عبارتند از: ۱- اتحاد قومی بالا ۲- بددهن ۳- بازتولید فرهنگی ۴- پای‌بندی به‌عناصر فرهنگی قوم ۵- مدعی پرستیژ قومی ۶- پای‌بندی دینی. نتایج مصاحبه‌ها حاکی از آن است که گروه قومی هورام مشابهت بیش‌تری با گروه قومی سوران نسبت به‌گروه قومی کلهر دارد. به‌بیان دیگر، علی‌رغم این‌که هورام‌ها صفاتی منفی به‌سوران‌ها نسبت داده‌اند اما شدت آن به‌اندازه‌ای نیست که به کلهرها نسبت داده شده است.

د) تلقی قوم سوران از کلهر

با تحلیل مصاحبه‌های مرتبط با پرسش " نحوه تلقی گروه قومی سوران از گروه قومی کلهر " نه مفهوم استخراج گردید که حاکی از این بود که نگرش سوران‌ها در مورد کلهرها دارای بار ارزشی منفی است. مفاهیم عبارتند از: ۱- عدم پای‌بندی به‌فرهنگ قومی ۲- غیرتمند ۳- گرایش به‌هویت ملی ۴- خشونت طلب (پرخاشگر) ۵- کُرد پلاستیکی ۶- خون‌گرم ۷- معتادپرور ۸- تحصیل‌کرده ۹- منفعت طلب.

ه) تلقی قوم سوران از قوم هورام

با بررسی و تحلیل مصاحبه‌های اخذ شده درباره پرسش "نوع و نحوه تلقی گروه قومی سوران از گروه قومی هورام" مفاهیم متعددی استخراج گردیدند که نشان می‌داد گروه قومی سوران نیز

۱. جاف یکی از زیر شاخه‌های گویش سوران می‌باشد اما گروه قومی کلهر از آن به‌عنوان یک ابزار جهت تحقیق و سرزنش دو گروه قومی دیگر استفاده می‌کند می‌توان گفت از دید کلهرزبانان جاف معادل نادان است.

متقابلاً دارای نگرش و دیدی مثبت به قوم هورام است. البته سوران‌ها نیز ویژگی‌ها و صفاتی منفی به هورام‌ها نسبت داده‌اند اما نه به شدت و حدت جهتگیری‌شان در قبال قوم کلهر. به بیان دیگر می‌توان گفت که سوران‌ها تمایل و گرایش بیش‌تری به هورام‌ها دارند تا به کلهرها. مفاهیم استخراج شده عبارتند از: ۱- تمایزگذاری با زبان و لباس ۲- پای‌بندی به فرهنگ قومی ۳- حفظ آداب و رسوم ۴- تعاملات درون قومی بالا ۵- متمدن (به روز) ۶- خودبرترین ۷- سیاست‌مدار ۸- تحصیل کرده. با توجه به یافته‌های بندهای الف تا ه می‌توان مفاهیم بدست آمده را همزمان به صورت جدول زیر نشان داد:

جدول شماره ۲: مفاهیم استخراج شده از تلقی گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران از یکدیگر

تلقی کلهر از دو قوم دیگر	تلقی هورام و سوران از کلهر	تلقی هورام از سوران	تلقی سوران از هورام
جاف	عدم پای‌بندی به فرهنگ قومی	اتحاد قومی بالا	تمایزگذاری با لباس و زبان
تعلقات مذهبی بالا	افراط‌گرا در مناسک	بددهن	پای‌بندی به فرهنگ قومی
لجباز (غم‌ری)	تحصیل‌کرده	باز تولید عناصر فرهنگی	حفظ آداب و رسوم
پای‌بندی به لباس و زبان کردی	خشونت طلب و پرخاشگر	پای‌بندی به فرهنگ قومی	تعاملات درون قومی بالا
انسجام قومی بالا	غیرتمند	مدعی پرستیژ قومی	متمدن (به روز)
شاد	گرایش به مرکز (هویت مرکز)	پای‌بندی به دین	خودبرترین
عدم تعامل با برون گروه	کردپلاستیکی (بی اصالت)	دامن زن به اختلافات (فتنه گر و کینه ای)	سیاست‌مدار
حفظ هویت قومی	معتادخیز (دارای فرهنگ توجیه کننده مصرف مواد)		تحصیل کرده
انزواطلب و گوشه گیر	موقعیت اجتماعی مناسب		
عدم اعتماد به رفاقت	مذهبی‌گرا		

جدول شماره ۲ نشان دهنده چند نکته است: این که هر یک از گروه‌های مذکور به دیگری نگرشی دوگانه دارد. بدین معنا که همزمان هم آن‌ها را دارای صفات مثبت می‌دانند و هم دارای صفات منفی. از دیگر نکات مهم منتج از یافته‌های فوق، اهمیت زیاد گروه‌های سه‌گانه به صفت و مقوله پای‌بندی و عدم پای‌بندی به هویت قومی در مقابل گرایش به هویت ملی/مرکزی در تلقی دیگری است به گونه‌ای که اکثریت هورام‌ها و سوران‌ها از صفت گرایش به هویت ملی و فراموشی

زبان، لباس و فرهنگ قومی به‌عنوان نخستین عبارات در تلقی کلهرها استفاده می‌کردند و یا کلهرها، ویژگی تعلق به‌هویت قومی را برای دو قوم دیگر، مهم می‌شمردند. گروه قومی کلهر میان دو گروه دیگر تفاوتی قائل نبود و آن‌ها را به‌عنوان جاف می‌شناخت، همچنین نحوه تلقی دو گروه قومی هورام و سوران از قوم کلهر تقریباً یکسان بود.

در ادامه یافته‌ها تجزیه، و به‌محورهای تحقیق پرداخته شده است.

۱) تلقی فرهنگی گروه‌های قومی از همدیگر: تقابل با گرایش‌های فرهنگی مرکزی (فارسی)

یکی از مهمترین عواملی که در نگرش اقوام به‌همدیگر اثر گذار است چگونگی تلقی از فرهنگ یکدیگر است: هر گروه قومی چه تصویری از فرهنگ گروه‌های قومی دیگر دارد. در جواب این پرسش که "گروه‌های قومی هورام، کلهر و سوران فرهنگ همدیگر را چگونه برمی‌سازند؟" نوزده مفهوم و یک مقوله محوری استخراج گردید که به‌نحوی چگونگی نگرش این گروه‌های قومی در مورد همدیگر را پوشش می‌دهند. مفاهیم به‌دست آمده به‌تفکیک هر قوم عبارتند از:

الف) تلقی کلهر از فرهنگ دو قوم دیگر: ۱- حفظ زبان و لباس محلی ۲- عدم گرایش به فرهنگ دیگر ۳- تعلق مذهبی بالا.

ب) تلقی هورام از فرهنگ کلهر: ۱- فارسی کرمانشاهی ۲- تأثیرپذیری فرهنگی ۳- عدم پایبندی به‌عناصر قومی فرهنگی ۴- تداخل زبانی ۵- فراموشی هویت قومی ۶- گرایش به‌مرکز ۷- تعلق مذهبی یا مذهبی‌گری.

ج) تلقی هورام از فرهنگ سوران: ۱- اصالت قومی ۲- حفظ زبان و لباس ۳- تداخل زبانی.

د) تلقی سوران از فرهنگ کلهر: ۱- کاهش هویت قومی، ۲- گرایش به‌هویت ملی ۳- عدم همبستگی؛

ه) تلقی سوران از فرهنگ هورام: ۱- حفظ اصالت قومی، ۲- حفظ آداب و رسوم، ۳- اتحاد (تعامل) درون‌قومی بالا.

یافته‌ها بیانگر این است که کلهر تحت تأثیر فرهنگ و زبان ملی قرار گرفته و تا حدودی گرایش به‌هویت محلی در میان این قوم کم رنگ تر شده است. قوم سوران و هورام تأکید زیادی بر استفاده از میزان پایبندی خود و عدم پایبندی دیگر گروه‌ها به‌شاخص‌های فرهنگی قوم کرد برای برساخت هویت دارند. به‌گونه‌ای که اکثریت مردم هورام و سوران مهم‌ترین امتیاز خود را پایبندی به‌سنن قومی؛ و گرایش قوم کلهر به‌هویت ملی را مهم‌ترین ضعف آن‌ها می‌دانند. کلهرها نیز تنها امتیاز دو گروه قومی دیگر را حفظ زبان و پوشش کُردی (پایبندی به‌سنن کردی) می‌دانستند و به‌گرایش قوم خود به‌فرهنگ و زبان مرکزی (فارسی) اذعان داشتند.

جدول شماره ۳: مفاهیم و کدمحوری استخراج شده از تلقی هورام، کلهر، و سوران از فرهنگ یکدیگر

تلقی کلهر از فرهنگ دو قوم دیگر	تلقی هورام از فرهنگ کلهر	تلقی سوران از فرهنگ کلهر	تلقی هورام از فرهنگ سوران	تلقی سوران از فرهنگ هورام
حفظ زبان و لباس قوم (کرد)	فارسی کرمانشاهی	کاهش هویت قومی	اصالت قومی	اصالت قومی
عدم گرایش به فرهنگ دیگر	تأثیرپذیری فرهنگی	حفظ آداب و رسوم	حفظ زبان و لباس قوم	حفظ آداب و رسوم
تعلق مذهبی بالا	عدم وفاداری به عناصر فرهنگی قوم	عدم همبستگی	تداخل زبانی	اتحاد درون قومی بالا
	فراموشی هویت قومی و گرایش به مرکز		پای‌بندی به هویت قومی	
کد محوری: تقابل گرایش‌های فرهنگی مرکزی				

به‌عنوان نمونه، مرد ۲۳ ساله، سوران، با تحصیلات کارشناسی در مورد دو قوم دیگر اظهار داشت که: «میشه گفت هورام‌ها بیشتر رو زبان و لباس آداب و رسوم و کلاً هر آن چیزی که باعث تفاوت کردها در کل با دیگر اقوام ایران می‌شود تاکید دارند و تلاش دارند همچنان اون‌ها رو بولد (برجسته) کنند و حفظ کنند. همه جا با لباس خودشون میان بیرون. مردمی با فرهنگی بالا با تعصب خیلی عالی به‌زبانشون به‌قومشون به شهرشون هستند با کلهرهام رابطه دارم و داشته‌ام متأسفانه تو دو دهه اخیر خیلی تغییر کرده‌اند مثلاً تو دانشگاه می‌ریم اصلاً نمیشه تشخیص داد که اینا هم کردند زبان فراموش شده و لباس و پوشش کردی هم به‌مراتب بیشتر. یا داخل شهر کرمانشاه به‌ندرت پیدا میشه که لباس خودشونو استفاده کنند. تعصباتشون کم شده آداب و رسوم هم فراموش کردن. یعنی میشه گفت هویت خودشونو فراموش کردن.»

همچنین، مرد ۳۵ ساله، هورام، با تحصیلات کاردانی در مورد دو قوم دیگر گفت که: «مردم سوران به‌خاطر مذهب که سنی هستند هم تعصبات دینی دارند و هم قومی. اونا هم مثل ما در اقلیت هستند به‌همین خاطر از اتحاد خوبی برخوردارند. مانع از حذف قوم خود و فرهنگ و اصالت قوم خود میشند سعی در حفظ و نگهداری اصالت خود دارند. اما کلهرها اقتصادشون با مرکز خیلی آمیخته شده فرهنگ و آداب مرکز (فارس) رو دارند ترویج میدن یعنی به‌زبان فارسی با بچه‌هاشون صحبت میکنند لباس کردی رو دیگه نمی‌پوشند.»

مرد ۲۹ ساله، کلهر، با تحصیلات کاردانی در مورد دو قوم دیگر نیز معتقد بود که: «زیاد بین

هورام و سوران تفاوت قائل نمیشیم و به‌هورامی‌ها و سورانی‌ها جاف می‌گوئیم. مردمشون علاوه بر این که به‌لحاظ زبانی و پوششی در مقابل ما جبهه می‌گیرند و نقد می‌کنند می‌گن کلهرها زبان و لباس‌شان را فراموش کرده‌اند درکل اونا مردمی هستند که رو عناصر فرهنگی قوم کرد از جمله زبان و لباس خیلی تعصب دارند».

۲) ترجیحات گروه‌های قومی: ترجیح درون‌قومی

هنگامی که یک گروه تشکیل می‌شود و مرزهای آن با افراد بیرون از گروه تعیین می‌گردد، نگرش‌هایی مبتنی بر درون‌گروه و برون‌گروه، میان گروه‌ها شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه انتخاب عاقلانه مردم هویتی را برمی‌گزینند که به‌بهترین شیوه با منافع و اهداف شخصی آنان سازگار باشد. البته، همان‌گونه که در دیدگاه برساخت‌گرا گفته می‌شود، گزینه‌های نامحدودی در برابر فرد وجود ندارد. یک سیاه‌پوست نیجریه‌ای نمی‌تواند به‌طور معقول یک فرد سفید پوست سوئدی را برای خود برگزیند. اما خارج از محدودیت‌های که در مجموعه‌ی گزینه‌های هویتی وجود دارد، همچنان انتخاب‌های زیادی هست که بر اساس آن‌ها فرد می‌تواند منافع فردی خود را در هویتی که برای خود می‌سازد دنبال کند (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۴).

در پاسخ به این سوال که "گروه‌های قومی مذکور ترجیح می‌دهند جزء کدام گروه قومی باشند؟"، به‌طور کلی سه مفهوم ۱- تعلق درون‌قومی ۲- عدم شکل‌گیری ازدواج برون‌گروهی ۳- گرایش افتراقی به‌برون‌گروه، استخراج گردید که نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌گویان متفق القول دارای گرایش‌هایی درون‌گروهی هستند. با تجزیه و تفکیک مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها، روشن گردید که هورام، کلهر و سوران ترجیح می‌دهند همچنان عضو گروه قومی خود باشند. آن‌ها بیشترین ارتباط، بده‌بستان معاملاتی و ازدواجی را هم با گروه قومی خود دارند. سوران و هورام بعد از قوم خود، ترجیح و گرایش بیشتری به‌یکدیگر دارند. اما از این‌که عضو قوم کلهر باشند و یا مراداتی با آن‌ها داشته باشند مخالفت می‌کنند. به‌عنوان مثال مرد ۵۰ ساله، هورام، با تحصیلات دیپلم اظهار داشت که: «من اگه بخام انتخاب کنم که کدام قوم را انتخاب کنم همان قوم هورام را انتخاب می‌کنم و افتخار می‌کنم که هورام هستم. و تو مرحله دوم ترجیح میدم که سوران باشم. و در آخر کلهر. چون هورام اعتقادات و کردارهای خوبی دارند و از لحاظ ایمان مذهبی و پای‌بندی به‌مقدسات فکر کنم از دو قوم دیگر بالاتر باشد و از لحاظ حفظ زبان و پوشش کرد و حفظ اصالت از دو قوم دیگر برتر و کوشا تر هستند».

مرد ۳۲ ساله، سوران، با تحصیلات کارشناسی می‌گوید: «با وجود لمس کردن برتری بعضی ابعاد قوم هورام از قوم سوران اما من اگه بخام از بین این‌ها انتخاب کنم بازم قوم سوران را به‌عنوان قوم خود انتخاب می‌کنم. چون مردم خودمان ساده‌تر و رو راست‌تر هستند مردمی پاک تر هستند تا

مردم قوم کلهر و هورام یعنی قوم خودمان بهتر میدانم به‌همین خاطر ترجیح میدم سوران باشم». مشابه با آن دو، خانم ۲۱ ساله، سوران و با تحصیلات دیپلم نیز می‌گوید: «من بیشتر با سورانی‌ها رابطه دارم و بهتر رابطه می‌گیرم و بعدش ترجیح میدم با مردم هورام رابطه داشته باشم و همین‌طور تو قضیه ازدواج ابتدا سوران را ترجیح می‌دم بعد هورام اما با کلهرها زیاد ارتباط نمی‌گیرم و دوس ندارم بگیرم به‌خصوص تو قضیه ازدواج. چون یه تجربه‌هایی داشتیم که خوب نبوده. نمیتونم صریحاً بگم دلیلشو ولی شاید مذهب هم تأثیرگذار بوده».

مرد ۲۵ ساله، کلهر، و با تحصیلات کارشناسی ارشد اظهار داشت که: «من اگه میتونستم انتخاب کنم میان این سه قوم، همین کلهری را انتخاب میکردم چون الان شناختی که دارم میبینم راحت تر است زندگی با کلهرها و البته خوشتر است»

با تحلیل مصاحبه‌های مربوط به پرسش "گروه‌های قومی سه‌گانه ترجیح می‌دهند جزء کدام یک از اقوام می‌بودند؟" کد محوری ترجیح درون‌قومی استخراج شد. جدول شماره ۴ مفاهیم و کدمحوری را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: مفاهیم و کد محوری استخراج شده از گرایش گروه‌های سه‌گانه به‌درون‌گروه و برون‌گروه

گرایش هورام به‌درون‌گروه و برون‌گروه	گرایش کلهر به‌درون‌گروه و برون‌گروه	گرایش سوران به‌درون‌گروه و برون‌گروه
تعلق به‌تعامل درون‌گروهی (در تمام زمینه‌ها) - ممانعت از ازدواج با برون‌گروه - تعلق برون‌قومی ناهمساز (دراولویت دوم با سوران) - تأثیر تفاوت‌ها دربی میلی به‌ادخال با دیگری - تأثیر منافع درگرایش به‌قوم خودی - عدم دوست‌گزینی از برون‌گروه	تعلق به‌تعامل درون‌گروهی (در زمینه ازدواج - رفاقت - مبادلات اقتصادی) - ممانعت از ازدواج با برون‌گروه - تأثیر منافع درگرایش به‌قوم خودی	تعلق برون‌قومی ناهمساز (در اولویت دوم هورام) - ممانعت از ازدواج با برون‌گروه - تعلق به‌تعامل درون‌گروهی
کد محوری: ترجیح درون‌قومی		

۳) ذهنیت گروه‌های قومی: تفکرات قالبی

در تحلیل پاسخ این پرسش که هر گروه قومی در مورد دیگر گروه‌های قومی چگونه فکر می‌کند؟ ۲۶ مفهوم به‌تفکیک اقوام و یک کد محوری، به‌دست آمد که نشان می‌داد میان آن‌ها ذهنیت‌ها و پیش‌فرض‌ها و به‌عبارت دیگر تفکرات قالبی نقش پررنگی دارند.

از نظر تعریف، تفکر قالبی نوعی از عقاید و باورهای مرسوم افراد نسبت به یکدیگر است که گروه‌ها برحسب پیشینه و داشتن باورهای کلی، آن را به‌کار می‌برند. تصورات قالبی تعمیم‌هایی است که از فاصله اجتماعی و مذهب تأثیر می‌پذیرد (رتلند، ۲۰۰۹: ۲۳). به‌نقل از سیدامامی، (۱۳۸۷).

تفکرات قالبی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نگرش‌های منفی قومیتی است که می‌توانند منشأ بسیاری از رویکردهای غلط و اعمال تبعیض در مواجهه با اقوام دیگر باشد.

در بسیاری از جوامع تصورات قالبی عامه از قبیل نسبت دادن هر یک از صفات خست، سادگی، زرنگی، مهمان‌نوازی و تعصب به ساکنان هر یک از مناطق جغرافیایی کشور وجود داشته و نوعی پیش‌فرضی عاطفی است (نظری، ۱۳۹۲: ۱۴). عوامل مختلفی بر شکل‌گیری تصورات قالبی اثر گذار است از جمله فاصله اجتماعی، عوامل شناختی، هویت قومی، اعتماد اجتماعی، پیش‌داوری بین قومی و دیگر عوامل.

در این تحقیق بر اساس مصاحبه‌ها، چگونگی تفکر و برداشت و ذهنیت هر یک از اقوام نسبت به دیگری در قالب بیست و شش مفهوم تفکرات قالبی به‌دست آمد که حاکی از آن است که گروه‌های سه‌گانه تحت تأثیر مذهب، نزدیکی جغرافیایی، قرابت زبانی، تجارب گذشته و ... نسبت به جهت‌گیری‌هایی بعضاً مثبت و البته منفی دارند. این برداشت‌ها عبارتند از:

الف) برداشت کلهر از هورام و سوران: ۱- جاف، ۲- مذهبی، ۳- شاد، ۴- لجباز، ۵- انزواطلب؛
ب) برداشت هورام از کلهر: ۱- مناسک‌گرای افراطی، ۲- باسواد و تحصیل‌کرده، ۳- خشونت طلب (پرخاشگر)، ۴- غیرتمند، ۵- بی‌اصالت؛

ج) برداشت هورام از سوران: ۱- بددهن، ۲- متحد، ۳- مذهبی، ۴- خودبرتربین؛
د) برداشت سوران از کلهر: ۱- بی‌اصالت، ۲- غیرتمند، ۳- خشونت طلب، ۴- کرد پلاستیکی، ۵- خون‌گرم، ۶- معتاد، تحصیل‌کرده، ۷- منفعت طلب؛

ه) برداشت سوران از هورام: ۱- با اصالت، ۲- متمدن (به‌روز)، ۳- خودبرتربین، ۴- سیاست‌مدار، ۵- تحصیل‌کرده.

هورام‌ها و سوران‌ها هرچند نسبت به همدیگر تصورات قالبی منفی‌ای دارند اما در مقایسه با کلهر شدت پیش‌داوری‌ها آن‌ها نسبت به هم کمتر است. کلهر نیز به‌دیگر گروه‌ها ذهنیت منفی دارد. به‌عنوان نمونه: مرد ۲۵ ساله، کلهر، با تحصیلات کارشناسی ارشد می‌گوید: «اون چیزی که زیاد شنیدم و البته دیدم از این مردمان، این هست که لجباز و یک دنده هستند و با واژه غُمری جافتاده‌اند و تقریباً همیشه می‌شنیدم که جاف‌ها غُمری هستند. یعنی اگه اتفاقی بیفتاد یک دنده و لجباز هستند. و کینه‌ای هستند یعنی کینه به‌دل می‌گیرند و البته یه دیدی بین کلهرها هست اینه که میگن غیرکلهر (هورام و سوران) جاف هستند و همین‌طور برای جاف‌ها جُوک و لطیفه می‌سازند و مسخره‌شان می‌کنند».

جدول شماره ۵، مفاهیم و کد محوری استخراج شده را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۵: مفاهیم استخراج شده درباره ذهنیت هورام، کلهر و سوران در مورد همدیگر

ذهنیت کلهر در مورد دو قوم دیگر	ذهنیت هورام و سوران در مورد کلهر	ذهنیت هورام در مورد سوران	ذهنیت سوران در مورد هورام
جاف	مناسک‌گرای افراطی	بددهن	باصلت
مذهبی	غیرتمند	متحد	متمدن
شاد	پرخاشگر (خشونت طلب)	مذهبی	سیاست‌باز
انزواطلب	پلاستیکی (بی اصالت)	خودبتربین	خودبتربین
غم‌ری (لجباز)	تحصیلکرده	باصلت	تحصیلکرده
متعهد به هویت قومی	اعتیادخیز		قولانچه (سوسک) خور
همه جاجگ ^۱	خرگوش خور		
کد محوری: تفکرات قالبی			

۴) عیب‌ها و حُسن‌های گروه‌های قومی دیگر

در جواب این پرسش که "از نظر هر گروه قومی مهم‌ترین عیب‌ها و حُسن‌های گروه‌های قومی دیگر چیست؟" مفاهیم و مقوله‌هایی استخراج شد که بیانگر ذهنیت دوگانه هر یک از گروه‌های قومی سه‌گانه نسبت به همدیگر است بدین معنا که هر یک از گروه‌ها هم‌زمان وجه مثبت و منفی گروه‌های دیگر را ذکر می‌کردند.

جدول شماره ۶: مفاهیم به‌دست آمده از نظر گروه‌های قومی سه‌گانه در مورد معایب و محاسن قوم دیگری و

کد محوری استخراج شده از آن

هورام از منظر سوران	سوران از منظر هورام	کلهر از منظر هورام و سوران	هورام و سوران از منظر کلهر	
مدعی برتری قومی (خودبتربین) - عدم اعتمادپذیری در دوستی - چرب زبان و متملق	مدعی برتری قومی - بددهن - کینه‌ای و دامن زن به اختلافات (فتنه‌گر)	فراموشی هویت کردی - مناسک‌گرای افراطی - پرخاشگر و خشونت طلب - معتادخیز - مذهبی‌گری - عدم همبستگی قومی - غیرقابل اعتماد - عدم مراعات آداب اجتماعی اسلامی	بی رحم - جاف - انزواطلب - ارجحیت منافع به اصول - مردانگی و رفاقت - خودبتربین -	عیب‌ها
فرهنگ غنی -	سادگی و صمیمیت -	مرام‌دار و با معرفت - باسواد -	شاد و خوشحال -	حسن‌ها

۱. همه یا همه یک اسم در گویش‌های هورام و سوران می‌باشد و جاجگ هم همان آدامس کوهی می‌باشد (معنی رایج و موجود آن در میان این اقوام: کسی که تخصصش فروش آدامس (جاجگ) می‌باشد).

هورام و سوران از منظر کلهر	هورام و سوران از منظر کلهراز منظر هورام و سوران	سوران از منظر هورام	هورام از منظر سوران
پای‌بندی به فرهنگ کردی-اعتقادات مذهبی قوی- همبستگی قومی- عدم دروغگوئی	برخورداری از مزایا و موقعیت اجتماعی مناسب-بروز و باکلاس	پای‌بندی به هویت کردی-حفظ زبان، لباس و فرهنگ قومی-موقعیت جغرافیائی مناسب- تعلق مذهبی	متمدن و بروز-حفظ هویت کردی-حفظ زبان، لباس و فرهنگ قوم - باسواد
کد محوری: پنداشت‌های مبتنی بر همین و همان (نگرش دوبعدی)			

۵) پنداشت‌های مبتنی بر همین و همان (نگرش دوبعدی)

دوگانگی نگرشی به‌شرایطی اشاره دارد که، نگرش به‌یک شی، همزمان شامل ارزیابی مثبت و منفی است و یا بین ابعاد مختلف نگرش، اختلاف وجود دارد. (فابریگر و وگنر (۲۰۱۰) نقل از ناصری و کیانپور، ۱۳۹۳). برای مثال، ممکن است کسی یک کالا را از لحاظ شناختی، مثبت ارزیابی کند اما در بعد رفتاری تمایلی به‌مصرف آن نداشته باشد و یا از نظر احساسی درباره چیزی یا کسی دچار تناقض باشد. در این مطالعه نیز آن‌چه مشهود است، وجود دوگانگی نگرشی در مورد هر گروه قومی است. با تحلیل پاسخ‌های مربوط به پرسش "مهم‌ترین عیب‌ها و حُسن‌های هر گروه قومی از منظر گروه‌های دیگر؟" مشخص شد که هریک از گروه‌های سه‌گانه نگرشی دو بُعدی به‌دیگری دارد. بدین معنا که هم‌زمان صفات منفی و مثبت دیگری را برمی‌شمردند. لازم به‌ذکر است که علی‌رغم پنداشت دوگانه هر قوم از دیگری، نگرش گروه قومی هورام و سوران به کلهر، به‌مراتب منفی‌تر از نگرشی هورام به سوران و یا سوران به هورام بود؛ که می‌توان نتیجه گرفت تفاوت مذهبی و موقعیت جغرافیای تأثیری شگرف در ذهنیت نسبت به‌دیگری دارد.

۶) مهم‌ترین تجارب اقوام در برخورد با یکدیگر

یکی از سوالات مهم این مطالعه این بود که مهم‌ترین تجارب گروه‌های مختلف در برخورد با دیگر گروه‌های قومی چه بوده است؟ در این زمینه می‌توان گفت، نقش تعاملات اجتماعی در هویت ملی و انسجام اجتماعی در فرآیند ادخال اجتماعی که از نظر ترنر (ترنر، ۱۹۸۵ به‌نقل از نظری، ۱۳۹۲: ۳۴)، یکی از وجوه فرآیند انسجام در جوامع تمایز یافته است آشکار می‌شود. ادخال اجتماعی به‌میزان در هم تنیدگی گروه‌های اجتماعی موجود در یک جامعه اشاره دارد. فاصله اجتماعی بین اقوام منجر به این می‌شود که تصورات قالبی شدت بیشتری داشته باشد اما روابط بین قومی باعث می‌شود افراد نسبت به‌اقوام

دیگر تجربیاتی را کسب کنند که تصور و پیش‌دواری آن‌ها نسبت به اقوام را تغییر دهد. به‌زعم آلپورت، تصورات قالبی، فقدان همدلی متحدانه گروه‌ها علیه دیگر افراد است. فاصله بین گروه‌ها تابعی از میزان تفسیرهای ذهنی بر حسب ادراک تجربی جزئی است.

جدول شماره ۷: مفاهیم و کدمحوری استخراج شده از تجارب هورام، کلهر و سوران در برخورد با یکدیگر

تجارب کلهر در برخورد با دو قوم دیگر	تجارب هورام و سوران در برخورد با کلهر	تجارب هورام در برخورد با سوران	تجارب سوران در برخورد با هورام
تغییر نگرش بین قومی تأثیر عدم تعامل در تفکر منفی نزدیکی و برخورد منجر به- کاهش تصورات قالبی تأثیر مثبت رسانه در گرایش به قوم دیگری	تغییر نگرش بین قومی تأثیر تعامل و برخورد در کاهش ذهنیت منفی نقش دیگران در القا تفکرات قالبی نقش روابط در نگرش	تغییر نگرش بین قومی فاصله مکانی و جغرافیائی باعث ذهنیت منفی تأثیر معاشرت و تعامل در کاهش احساس و نگرش منفی	تغییر نگرش بین قومی نزدیکی و تعامل منجر به کاهش تفکرات قالبی نقش دیگران در القا تفکرات منفی
کد محوری: تقابل ذهنیت با واقعیت			

۷) تقابل ذهنیت با واقعیت

گروه‌ها و اقوام بر حسب تفاوت‌های فرهنگی و بر حسب حافظه تاریخی از اقوام، نسبت به یکدیگر باورهایی دارند که تنها در رفتار، طرز تفکر و برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران به کار می‌بندند، در نتیجه افزایش فاصله اجتماعی بین گروه‌ها، منجر به شکل‌گیری عقاید و تصورات قالبی می‌شود. تقویت روابط همدلانه بین گروه‌ها از طریق مشارکت اجتماعی، افزایش نقش رسانه در تقویت همگرایی و ایجاد ارتباط بین قومی، ترویج فرهنگ تعامل و تساهل در زمینه ازدواج بین گروهی و برون‌گروهی می‌تواند در کم رنگ شدن تصورات قالبی اثر گذار باشد.

نتایج مصاحبه‌ها و مفاهیم استخراج شده از آن بیانگر این است که اغلب افراد مورد مصاحبه ابتدا قضاوت‌های نادرستی در مورد گروه دیگر داشتند که با گذشت زمان و گسترش تعاملات متوجه شده‌اند که آن‌طور که می‌پنداشته‌اند نبوده است. به‌عنوان نمونه یکی از مصاحبه‌شونده‌های کلهر گفت «من از دور قدیم‌ها ذهنیتی در موردشون (هورام) داشتم... اما بعد این‌که باهاشون رابطه گرفتم دیدم نه، شاید یه چیزایی درست باشه اما خیلی از چیزایی رو که به این مردم نسبت میدن ساختگی هست» یا مصاحبه‌شونده دیگر از همین گروه قومی گفته است: «خود من از دور که به اینا (سوران و هورام) فک میکردم و یا هنوز باهاشون رابطه نداشتم ... حس خوبی نداشتم بهشون. ... اما وقتی تحصیلکرده‌ها و قشر جوانشونو دیدم و بیشتر باهاشون ارتباط گرفتم متوجه شدم که خیلی از این چیزهای که شنیده بودم... اشتباه بوده». یکی از سورانی‌ها نیز تصریح کرده است که «من قبل

این‌که با دیگر اقوام مثلاً کلهرها رابطه داشته باشم دورادور یه ذهنیتی داشته ام اما در اثر برخورد و تعاملاتی که بعداً باهاشون داشتم شاید بشه گفت شصت هفتاد درصدش درست بوده و بقیه درست نبوده و در مورد هورامی‌ها هم همین‌طور بوده یعنی ذهنیتیم با تجربه‌ای که بعداً کسب کردم کاملاً مطابقت نمی‌کرد». یک هورامی نیز اظهار داشت که: «البته بخش بزرگی از اعتقادات و احساس خوبی که من الان به کلهر و سوران دارم در نتیجه معاشرت و رفت و آمد با این اقوام بوده ... خود منم قبل از این‌که بیام و باهاشون برخورد داشته باشم خیلی گرایش خوبی بهشان نداشتم. ... ولی در گذر زمان و تعاملات متوجه شدم اشتباه می‌کنم».

بنابراین با ادغام کدها و مفاهیم استخراج شده از پرسش "مهم‌ترین عیب‌ها و حسن‌های هر گروه قومی از منظر گروه‌های دیگر؟" **کد محوری تقابل ذهنیت با واقعیت به دست آمد.**

۸) عقاید قالبی: طنزها و لطیفه‌ها

از جمله قالب‌های اجتماعی که در میان اقوام شکل می‌گیرد طنزها و لطیفه‌هایی است که برای همدیگر ساخته و به هم نسبت می‌دهند. این طنزها در ایجاد تصور و عقاید قالبی^۱ بین قومی تأثیر زیادی نیز دارد. افراد و گروه‌ها از طنز و لطیفه‌های قومی با اهدافی همچون "شوخی و سرگرمی" تحقیر دیگری و خودبرتربینی^۲ و "طرد و فاصله اجتماعی" استفاده می‌کنند. طنزهای قومیتی گاهی منجر به خشونت بین قومی و گاهی در قالب دوستی‌های بین قومی در قالب لطیفه و خنده بیان می‌شود. به‌طور کلی اکثریت مردان و زنان مصاحبه شونده علی‌رغم این‌که حین مصاحبه، عقاید قالبی و طنزهای قومی در مورد دیگر گروه‌ها را بازگو می‌کردند اما اذعان داشتند که وجود چنین طنزهایی سبب فاصله (شکاف) قومی می‌شود و ترجیح می‌دادند که گروه‌های قومی از گفتن طنز قومیتی صرف‌نظر کنند زیرا در تعاملات بین قومی اثر منفی خواهد داشت. مثلاً مرد ۲۳ ساله، سوران، با تحصیلات لیسانس می‌گوید: «کردهای کلهر به هورامی‌ها و سورانی‌ها می‌گن عقب افتاده، چوپان، نمی‌دونم جا مونده، کوهی و ... و دلیل به‌کارگیری این الفاظ رو این جوری بیان می‌کنن که دنیا دیگه پیشرفت کرده شما هنوز با لباس محلی می‌خوابید، اداره میرین، تو شهر می‌چرخین و ... به‌نظرم اگه باهم زمینه و یا سابقه دوستی نداشته باشی و به هم دیگه این الفاظ رو بچسبونی باعث دشمنی و دعوا می‌شه مثلاً اگه دو نفر همدیگه رو نشناسن برعلیه همدیگر این واژه‌ها رو به‌کار ببره باعث نزاع میشه اما اگه دوست باشی مثلاً هم خوابگاهی یا هم کلاس باشی میشه برا مزاح و شوخی استفاده کرد به‌نظرم مشکلی نداره البته اونم بستگی داره».

هورام و سوران، کلهرها را با صفاتی همچون "کرد پلاستیکی یعنی بی اصالت" "نندخو" "بی منطق" "خرگوش خور یعنی عدم پای‌بندی به‌الزامات دینی" خطاب می‌کنند. کلهرها نیز،

۱. Stereotype

به هورام و سوران صفاتی همچون "جاف"، "نوت خور" "همه جاجگ"، "یک دنده و لجباز (غمری) به معنی سخت‌گیری بیش از حد اعتقادی" نسبت می‌دهند. هورام، سوران را "قولانچه خور"، "عقده‌ای" و "بددهن" توصیف می‌کنند. با تجزیه مصاحبه‌ها و تحلیل صحبت‌های پاسخ‌گویان و همچنین ادغام کدها، کد محوری طنزهای قومی استخراج شد.

۹) تصور اقوام در مورد قوم خودی

برترینداری قومی

از دیگر اهداف مهم این تحقیق، مطالعه نگرش، نسبت به قوم خود بوده است. بررسی و شناخت نگرش هریک از گروه‌های قومی در مورد قوم خودی باعث می‌شود تا با مقایسه نگرش درون‌قومی و برون‌قومی بتوان درست یا اشتباه بودن تصورات قالبی هر گروه قومی نسبت به دیگر گروه‌ها را بهتر تشخیص داد. افراد ممکن است نسبت به گروه‌هایی که خود را متعلق به آن‌ها می‌دانند ذهنیت مثبت داشته باشند و نسبت به دیگران دارای ذهنیت منفی باشند. کسی که علیه گروه خاصی تعصب دارد از این که بی طرفانه سخنان آن‌ها را بشنود امتناع می‌کند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که هورام و سوران دیدگاهی برتری جویانه در مورد قوم خود دارند به گونه‌ای که اجتماع و گروه قومی متعلق به خود را مرکز همه چیز می‌پندارند؛ در نقطه مقابل، کلهرها علی‌رغم برتر پنداشتن قوم خود دارای یک دوگانگی در نگرش‌شان به قوم خودی بودند بدین معنا که علاوه بر ویژگی‌های مثبت، به صفات منفی قوم خود نیز اذعان داشتند. البته برای ویژگی‌های منفی قوم خودی توجیهاتی ارائه و سعی بر تبرئه قوم خود داشتند. نتایج این مطالعه در زیر بیان گردیده است.

جدول شماره ۸: مفاهیم و کدمحوری استخراج شده از تصور هریک از هورام، کلهر و سوران از قوم خودی

تصور هورام از قوم خود	تصور کلهر از قوم خود	تصور سوران از قوم خود
خودکفا - اتحاد قومی بالا - تاریخی و باسابقه - اعتقاد مذهبی بالا - سخت‌کوش - مهمان‌نواز - حفظ اصالت - باسواد - نژاد برتر - کرد - سادگی - ازدواج - علاقه به طبیعت - اقتصادی - آرام	اقتصاد ضعیف - تعصب روی قوم - پذیرش آسان توسط سایر اقوام - با مرام و خونگرم - جدی - ضعف عقاید مذهبی - تحصیل کرده - بد اخلاق و پر خاشگر - اهل تفریح و کوه رفتن - غیرتمند - اصالت دار -	تعصب روی زبان و لباس - زبان سورانی مادر تمام زبان‌ها - با صفا و صمیمی - مهمان‌نواز و خونگرم - سادگی - غیرتمند - شاد - با اصالت - صلح طلب -
کد محوری: برترینداری قومی		

پیامد تلقی گروه‌های قومی از یکدیگر

تحلیل پاسخ‌ها و گفت‌وگوها و کدهای محوری استخراج شده از آن نشان می‌دهد که گروه‌های قومی سه‌گانه کرد، تحت تأثیر تفاوت گویشی، مذهب، جغرافیای زندگی، فاصله اجتماعی و مکانی،

تفکرات قالبی، طنزهای قومی، تمایلی به ادغام و ادخال با دیگر گروه‌ها را ندارند و نوعی فاصله میان گروه‌های حاضر در درون قوم کُرد شکل گرفته است: زنان و مردان مصاحبه شونده، صراحتاً به فاصله موجود میان قوم خودی با دیگر اقوام کُرد اذعان داشتند. فاصله قومی از طریق میزان مخالفت پاسخ‌گویان جهت برقراری روابط، مبادلات اقتصادی، همسرگزینی و ازدواج با قوم غیرخودی قابل تحلیل است.

باری، در مرحله کدگذاری باز، ۱۱۵ کد به دست آمد که پس از ادغام آن‌ها و مقایسه کدهای مشترک در مرحله دوم که همان کدگذاری محوری است ۸ کد استخراج شد که به شرح زیر است:

۱- تقابل گرایش‌های فرهنگی قوم مرکز

۲- ترجیح درون قومی

۳- تفکرات قالبی

۴- پنداشت‌های مبتنی بر همین و همان (نگرش دو بُعدی)

۵- تقابل ذهنیت با واقعیت

۶- طنزهای قومی

۷- برترپنداری قومی

۸- فاصله بین قومی

مقوله هسته: قوم مداری و فاصله بین قومی

با توجه به این که هدف اصلی این پژوهش دو وجهی می‌باشد و علاوه بر مطالعه "تلقی گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران از یکدیگر"؛ برآورد "پیامد تلقی این گروه‌ها از همدیگر" نیز مورد نظر است، لذا در این جا مقوله "قوم‌مداری" به عنوان مقوله هسته بخش اول پژوهش و مقوله "فاصله بین قومی" به عنوان مقوله هسته بخش دوم پرسش انتخاب شد. این مقولات می‌توانند حداکثر فضای مفهومی مقوله‌های فوق را اشباع نموده و در خود جای دهد.

در واقع نتیجه نهایی این پژوهش نشان دهنده این است که مشارکت‌کنندگان در تحقیق گروه‌های قومی غیرخودی را براساس قوم‌مداری برمی‌سازند و این تلقی منجر به فاصله بین قومی میان گروه‌های قومی قومیت کُرد می‌شود؛ بدین معنی که بازسازی معنایی انجام شده از درک و تفسیر مردم سه گروه قومی هورام، کلهر، و سوران از یکدیگر به گونه‌ای است که سه قوم موصوف در اکثر موقعیت‌ها و وضعیت‌ها، مطابق با شاخصه‌ها و مولفه‌های قومی و یا پای‌بندی و عدم پای‌بندی به هویت قومی به توصیف یکدیگر می‌پرداختند. بدین معنا که گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران مبنا و اساس توصیف یکدیگر را قوم و میزان وفاداری و عدم وفاداری به فرهنگ (زبان، لباس، آداب و

رسوم) و هویت قومی قرار می‌دادند. در واقع در قالب گفتمان قومی همدیگر را برمی‌ساخته‌اند. بررسی متون مصاحبه‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، نسبت به برون‌گروه ذهنیت و برساختی منفی دارند و به راحتی در مورد صفات، جوک‌ها، طنزها و خصایص منفی دیگر اقوام که بیشتر مرتبط به پای‌بندی و یا عدم پای‌بندی به شاخصه‌های قومی بود، صحبت می‌کردند. به بیان دیگر گروه‌های سه‌گانه دیدگاهی قوم‌مدارانه داشتند که براساس آن اجتماع و گروه قومی متعلق به یک فرد مرکز همه چیزها انگاشته می‌شود و تمام گروه‌های دیگر نسبت به آن سنجیده و درجه‌بندی می‌شود. هر یک از این گروه‌ها خصوصیات گروه خویش را (از جمله حفظ اصالت، هویت، زبان، لباس، آداب و رسوم و... قومی) مطلوب و مطبوع تلقی می‌کردند و بر گروه خودی می‌بالند و از برون‌گروه بیزاری می‌جستند.

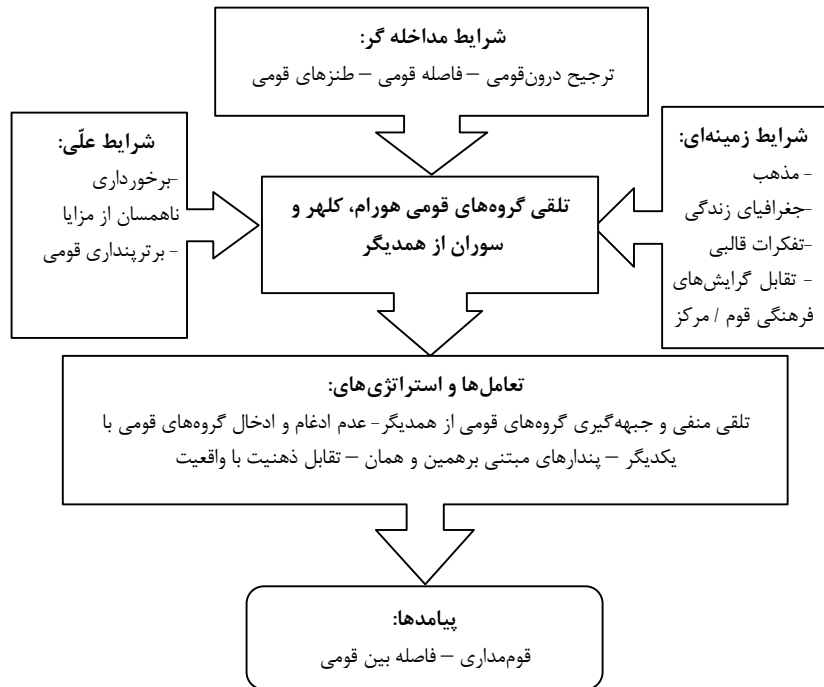
در واقع تقابل گرایش‌های فرهنگی قوم مرکز، تفاوت مذهب، تفکرات قالبی، جغرافیای زندگی (نزدیکی و دوری مکان زندگی) به عنوان بسترهایی عمل می‌کنند که زمینه را برای تصور قالبی منفی این گروه‌ها در مورد همدیگر فراهم می‌کند. مشارکت کنندگان در تحقیق بارها به این موضوع اشاره داشتند که تفکرات قالبی، نبود ارتباط و تعامل با دیگر گروه‌های قومی منجر به گسترش فاصله و عدم تمایل به ادخال و ادغام با یکدیگر می‌شود، درحالی که با گسترش روابط بین قومی از شدت تفکرات منفی کاسته شده است. شایان ذکر است که بخشی از تصور قالبی منفی گروه‌های موصوف قوم کرد نسبت به یکدیگر به‌ویژه قوم هورام و سوران نسبت به کلهر و قوم کلهر نسبت به هورام و سوران از تفاوت مذهبی این گروه‌ها نشئت می‌گیرد.

نکته دیگری که حکایت از خودمداری قومی و قوم‌مداری این گروه‌ها دارد تاکیداتی است که مصاحبه‌شوندگان بر برترپنداری قومی، ترجیح درون‌قومی، فاصله قومی، طنزهای قومی و دارند. به‌گونه‌ای که مشارکت کنندگان گروه‌های قومی هورام، کلهر و سوران در طول مصاحبه‌ها بارها به‌ترجیح مبادلات اقتصادی، روابط اجتماعی، همسایگی، ازدواج و دوست‌گزینی از گروه قومی خود اصرار داشتند تا با گروه‌های غیر خودی، که همین امر نشان‌دهنده وجود تصور منفی نسبت به برون‌گروه و احساس تعلق به درون‌گروه می‌باشد. همچنین مشارکت کنندگان در این تحقیق از قوم خود به‌عنوان قوم برتر یاد می‌کردند و از طنزهای قومی در جهت اثبات ادعای خود در این زمینه استفاده می‌کردند.

بنابراین براساس این مطالب و کدهای محوری به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌های مشارکت کنندگان در این تحقیق؛ و با توجه به این که پرسش و هدف اصلی پژوهش حاضر دو بخش است، می‌توان گفت برای بخش چگونگی تلقی گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران مقوله‌نهایی "قوم‌مداری" که نشان‌دهنده نگرش منفی این گروه‌ها نسبت به یکدیگر و به تبع آن خودمداری و برترپنداری قومی این گروه‌ها در زمینه پای‌بندی به فرهنگ و هویت قومی می‌باشد و برای بخش

پیامدهای تلقی گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران از یکدیگر مقوله‌نهایی "فاصله بین قومی" قابل استخراج است.

مدل پارادایمی تحقیق



نتیجه، بحث و پیشنهاد

هدف از پژوهش حاضر این بود که تصویری از چگونگی تلقی گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران از همدیگر به دست دهد و پیامدهای حاصل از این تلقی را برآورد نماید. یافته‌ها نشان داد که هر یک از گروه‌های مذکور به‌دیگری نگرشی دوگانه دارد. بدین معنا که همزمان هم آن‌ها را دارای صفات مثبت می‌داند و هم دارای صفات منفی. نکته مهم دیگر، اهمیت قائل شدن گروه‌های سه‌گانه به‌صفت و مقوله پای‌بندی و عدم پای‌بندی به هویت قومی در مقابل گرایش به هویت ملی/مرکزی در تلقی دیگری است، به‌گونه‌ای که اکثریت هورام‌ها و سوران‌ها از صفت گرایش به هویت ملی و فراموشی زبان، لباس و فرهنگ قومی به‌عنوان نخستین عبارات در تلقی کلهرها استفاده می‌کردند و یا کلهرها، برای توصیف دو قوم هورام و سوران از ویژگی تعلق به هویت قومی بهره می‌گرفتند. این امر حاکی از این است که مقوله‌های قومیت از بیشترین اهمیت

در تلقی این اقوام از یکدیگر، برخوردار است.

برای پرداختن به سوال اصلی تحقیق، به مقوله‌های عمده پژوهش که حاصل یافته‌ها و مفاهیم استخراج شده از سوال "چگونگی تلقی گروه‌های قومی کرد از همدیگر" و سایر پرسش‌های فرعی (که در قسمت قبل به آن‌ها پرداخته شد) هستند می‌پردازیم. ابتدا مقولات محوری استخراج شده، مطابق با چگونگی تأثیرگذاری بر پدیده مورد مطالعه به شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر تقسیم شد و همچنین تعامل‌ها و استراتژی‌های موثر در این پدیده مشخص شد و سپس پیامدهای این برساخت‌ها مشخص شد. این پیامدها شامل قوم‌مداری میان گروه‌های قومیت کرد می‌باشد. بدین معنا که دیدگاه و تلقی هر یک از گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران از دیگری متأثر از قوم‌مداری آن‌ها می‌باشد قومیت‌گرایی یا هویت‌خواهی قومی دیدگاهی‌ست که براساس آن اجتماع و گروه قومی متعلق به یک نفر مرکز همه چیزها انگاشته می‌شود و تمام گروه‌های دیگر نسبت به آن سنجیده و درجه‌بندی می‌شود. پس شخص خود را نمونه مجسمی از فرهنگ خود می‌داند و فرض او این است که الگوها و شیوه‌های فرهنگی گروه او بهترین است.

بنابراین با توجه به قوم‌مداری و برترپنداری هریک از این اقوام و تاکید آن‌ها (به‌ویژه هورام‌ها و سوران‌ها) بر توصیف و تلقی قوم خودی و دیگری براساس پای‌بندی و حفظ هویت، فرهنگ، زبان، آداب و رسوم، پوشش و ... قومی در مقابل گرایش به هویت ملی / مرکزی و فراموشی شاخصه‌های قومی، می‌توان گفت تلقی این اقوام از یکدیگر در قالب و براساس قوم‌مداری می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به یافته‌های مصاحبه‌ای نتیجه و پیامد این چنین برساختی فاصله بین قومی میان گروه‌های قومی هورام، کلهر، و سوران می‌باشد.

در زیر براساس یافته‌ها و نتایج، پیشنهادهای کاربردی جهت کاهش تفکرات قالبی ارائه می‌گردد:

- (۱) بهتر است سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی و فرهنگی دولت در راستای ترکیب چند قومیتی اتخاذ شود به‌طوری که ادارات، دانشگاه‌ها، و دیگر محیط‌های آموزشی و فرهنگی هر یک از شهرهای استان کرمانشاه از ترکیب جمعیتی این سه قوم تشکیل شود این امر منجر به گسترش روابط اجتماعی بین این اقوام شده، در نتیجه تصورات قالبی و پیش‌داوری‌های این اقوام در مورد همدیگر کاهش می‌یابد. تقویت ظرفیت مبادلات و ارتباطات داخلی، افزایش ارتباطات فرهنگی نظیر سفرهای برنامه‌ریزی‌شده، برگزاری مراسم مشترک ملی با حضور گروه‌های مختلف، بهره‌گیری از آهنگ‌ها و آواهای محلی و غیره، می‌توانند در این راستا بسیار مؤثر واقع شوند.
- (۲) بهتر است سازمان‌های فرهنگی و آموزشی و سازمان‌های مردم‌نهاد، برای آگاه کردن افراد به ماهیت تصورات قالبی، پیش‌داوری و پیامدهای آن و نیز در ارتقای سطح آگاهی افراد درباره تنوع هویتی درون اقوام کرد برنامه‌دهمندی را از جمله تقویت گسترش ارتباطات بین قومی (کلهر، هورام و سوران) طراحی و اجرا نمایند.

- ۳) نتایج این تحقیق می‌تواند در رسانه‌های رسمی استان کرمانشاه مانند رادیو و تلویزیون مورد استفاده قرار گیرد، از این نظر که مسئولان و سازندگان برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و روزنامه نگارها با استفاده از نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه، سعی نمایند با تهیه برنامه‌هایی درباره پیش‌داوری‌های اشتباه اقوام نسبت به همدیگر، نگاه و نظر مخاطبین خود را اصلاح نمایند.
- ۴) بهتر است میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمانشاه با اتخاذ سیاست‌های فرهنگی مانند برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی (صنایع دستی، آداب رسوم، جشن‌ها و عروسی‌ها، آداب دینی مذهبی)، با مشارکت هر سه گروه، در ایجاد حس همبستگی قومی برون‌گروهی و همچنین تعاملات بین‌فرهنگی اقدام مؤثری را به‌عمل آورد.
- ۵) اعتمادسازی و ایجاد زمینه‌های شناخت متقابل به‌منظور کاهش تعصبات محلی و قومی و کاهش فاصله اجتماعی میان گروه‌ها: هدف اصلی در این زمینه باید واسازی کلیشه‌های موجود و نگاه ساده‌انگارانه و منفی به سایر گروه‌ها با جانشین کردن نگاه پیچیده‌تر و دور از پیش‌داوری باشد.
- ۶) با توجه به این که یکی از تجربیات میان اقوام که منجر به ایجاد تلقی بین قوم‌های سوران، هورام و کلهر شده بود سطح تحصیلات و حضور در دانشگاه‌ها بوده است. لذا ارتقای سطح سواد و رشد آموزش و پرورش به ویژه در مناطق روستایی و محروم این اقوام ضروری است.
- ۷) تلاش سازمان‌ها و نهادهای دولتی و مدیریتی در برخورداری همسان و به‌طور متوازن گروه‌های قومی مذکور از امتیازات و مزایا و کاهش تبعیض میان این گروه‌ها که در نهایت منجر به کاهش تصورات قالبی میان این گروه‌ها می‌گردد.

منابع

- اسدورو، سترام (۱۳۸۴)، *روان‌شناسی*، جهانبخش صادقی، تهران: سمت.
- پراتکانیس، آنتونی و الیوت آرنسون (۱۳۸۴)، *عصر تبلیغات*، کاووس سیدامامی، محمدصادق عباسی، تهران: سروش.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- خرازی آذر، زهرا و همکاران (۱۳۹۵)، تأثیرات استفاده از رسانه‌های جمعی و اجتماعی برهمگرایی بین قومی در ایران، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، سال دهم، شماره ۳۴، ۷۰-۱۰۱.
- خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰)، *اقلیت‌ها*، تهران: نشر شیرازه.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷)، هویت‌های قومی از کجا بر می‌خیزند؟ مروری بر نظریه‌های اصلی، *فصلنامه خط اول*، سال دوم، شماره ۷.

- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷)، ادراک گروه‌های قومی از تصاویر رسانه‌ای خود، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۴، ۷۸-۱۱۹.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
- کریمی، علی، و موذن، محمد هادی (۱۳۹۰)، تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوازدهم، شماره ۱، ۲۵-۵۲.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۰) *روش و طرح تحقیق کیفی؛ انتخاب از میان پنج رویکرد*، طهمورث حسنقلی‌پور، اشکان الهیاری و مجتبی براری، تهران: نگاه دانش.
- گودیکانست، ویلیام بی، (۱۳۸۳)، *پیوند تفاوت‌ها: راهنمای ارتباط کارآمد بین گروهی*، علی کریمی (مله) و مسعود هاشمی، تهران: تمدن ایرانی.
- محمدزاده حسین، محمدرضا شادرو، جلال الدین رفیع فر (۱۳۹۰) عوامل قوم اجتماعی مرتبط با انواع قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران، *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، سال اول، شماره سوم، ۷۵-۹۶.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹) فرهنگ ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوم، شماره ۱۹۶: ۶-۱۷۱.
- ناصری، لیدا و مسعودکیان پور (۱۳۹۴)، تحلیل مضمون تفکرات قالبی نسبت به قومیت (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست‌پنجم، شماره پیاپی (۵۸)، شماره دوم، ۷۶-۵۹.
- نصری مشکینی، قدیر (۱۳۷۸)، جمعیت و امنیت، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۵ و ۶.
- نظری، علی اشرف (۱۳۹۲)، *تصورات قالبی و روابط بین گروه‌های هویتی؛ ارزیابی پیمایشی و مقایسه‌ای*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وان برویین سن، مارتین (۱۳۷۹)، *آغا، شیخ و دولت: ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان*، ابراهیم یونسی، تهران: پانید.
- یوسفی علی، احمدرضا اصغرپورماسوله (۱۳۸۸)، قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران، *دانشنامه علوم اجتماعی تربیت مدرس*، دوره اول، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۴۴.
- Turner, J.C. (۱۹۸۵), *Social Categorization and the Self-Concept: A Social Cognitive Theory of Group Behavior*. In Lawler, E. J. ed. *Advances in Group Processes: Theory and Research*. Greenwich, CT: JAI Press.
- Boda, Z; Néray, B. (۲۰۱۵), Inter-ethnic friendship and negative ties in secondary school, *Social Networks*, Volume :۴۳, Pp ۵۷-۷۲.
- Fabrigar, L. R. and Duane T. Wegener (۲۰۱۰), "Attitude Structure". In: *Advanced Social Psychology: The State of the Science*, Baumeister, Roy. F. and Eli J. Finkel, (Eds.) Oxford: Oxford University Press. Pp. ۲۱۷-۲۶۲.